

## جامعه‌شناسی خانواده با رویکرد سه‌وجهی

سیدسعید زاهد زاهدانی

دانشیار جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز

zahedani@shirazu.ac.ir

### چکیده

در این مقاله براساس رویکرد سه‌وجهی به جامعه‌شناسی اسلامی، به بیان جامعه‌شناسی خانواده می‌پردازیم. در رویکرد سه‌وجهی با استعانت از اندیشه هستی‌شناسانه شهید مطهری درباره رابطه فرد و جامعه و از دیدگاه فلسفه شدن و یا فلسفه چگونگی ارائه‌شده توسط مرحوم آیت‌الله سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی به ارائه نظریه‌ای مبادرت ورزیدیم. در این نظریه گفته می‌شود که فرد و جمع و رابطه در تشکلات اجتماعی همه ذی‌اثر یا فاعل هستند؛ به عبارت دیگر، هر تشکل اجتماعی از تقویم این سه با یکدیگر شکل می‌گیرد. در این مقاله براساس رویکرد سه‌وجهی، درباره جامعه‌شناسی خانواده به نظریه‌پردازی خواهیم پرداخت و الگویی برای توصیف، تبیین و تحلیل خانواده به‌دست خواهیم داد. اجمالاً می‌توان گفت که در خانواده سه نوع فرد ایفای نقش می‌کنند: پدر، مادر و فرزند یا فرزندان. این افراد در زمینه اجتماعی با سه زیرنظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد عمل می‌کنند و نوع موضع‌گیری آن‌ها (رابطه) در مقابل این زمینه از طریق گرایش، بینش و دانش فرهنگی در اخلاق، اعتقاد و رفتارشان انعکاس می‌یابد. در بررسی هریک از این سه بخش به ۲۷ عامل تشکیل‌دهنده در جامعه‌شناسی خانواده دست

می‌یابیم. برای مطالعه هر خانواده به صورت موردی می‌باید ۲۷ عامل هر سه بخش را شناسایی کنیم. برای عملیاتی شدن این نظریه به عنوان نمونه به الگوی خانواده در دو فرهنگ دوره قاجار و دوران حاضر اشاراتی خواهیم داشت.

**کلیدواژه‌ها:** جامعه‌شناسی خانواده، نقش والدین و فرزندان، سیاست در خانواده، فرهنگ در خانواده، اقتصاد در خانواده.

### مقدمه

در علم جامعه‌شناسی موجود خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی به حساب می‌آید. در بین پنج نهاد اصلی اجتماعی (خانواده، اقتصاد، حکومت، دین، تعلیم و تربیت) که هر جامعه بر اساس آن‌ها رفتارهای حیاتی خود را به طور طبیعی تنظیم می‌کند خانواده ریشه‌ای‌ترین نهاد تلقی می‌شود. از جمله وظایف اصلی خانواده مشروعیت بخشیدن به روابط جنسی و تولیدمثل، تأمین نیازهای اولیه نظیر خورد و خواب افراد جامعه، فراهم کردن زمینه جامعه‌پذیری، پرورش نسل آینده و انتقال فرهنگ است.

در طول تاریخ جوامع بشری همواره خانواده وجود داشته و با فراز و فرودهایی به حیات خود ادامه داده است. تنظیم مناسبات درون خانواده و رابطه آن با نظام بزرگ‌تر اجتماعی در طول تاریخ دستخوش تغییرات و تحولاتی بوده است. به ویژه امروزه با شکل‌گیری تمدن مدرن و افزایش تخصص و تقسیم کار اجتماعی، نهادهای دیگری مانند نهاد گذران اوقات فراغت و نهاد ورزش به پنج نهاد اصلی اضافه شده و برخی از وظایف نهادهای اصلی به دوش سازمان‌های جنبی سپرده شده است. از جمله با وجود سازمان‌های آموزشی جدید بسیاری از وظایف خانواده از دوش آن برداشته شده است. برای مثال دبستان‌ها و دبیرستان‌ها در جوامع پیشرفته در تمدن مدرن وظیفه اصلی جامعه‌پذیر کردن افراد را به عهده گرفته‌اند. حتی در سنین پایین فرزندان، مهد کودک‌ها و وظیفه نگهداری و تربیت فرزند را به دوش گرفته‌اند. این تغییرات در جهان مدرن تاحدی پیش رفته است که در برخی از متون سخن از انقراض خانواده و منتفی شدن ضرورت وجودی آن می‌رود.

تجربه اندیشمندان کمونیست در آغاز تأسیس حکومت شوروی در انحلال خانواده نشان داد که این نهاد در فطرت و طبیعت انسان ریشه‌دارتر از آن است که بتوان با برنامه‌ریزی‌های انسانی آن را از میان برداشت؛ از سوی دیگر، به علت اهمیت وظایفی که خانواده بر عهده دارد، از جمله آرامش بخشی به افراد جامعه و نقش بی‌بدیلی که در سلامت روحی و روانی جامعه به عهده دارد، در برخی از جوامع سهم بیشتری به این نهاد داده شده است. حتی در برخی کشورهای تحت نظام

سرمایه‌داری که تلاش می‌شود ارزش هر چیز با پول سنجیده شود، به فکر ارزیابی مادی سهم مادران در خانواده و در نظر گرفتن حقوق برای زنان خانه‌دار افتاده‌اند؛ به این ترتیب، می‌توان گفت خانواده به‌عنوان یک واحد اصلی در جامعه، که حیات جامعه به وجود آن وابسته است، همچنان موضوع مهمی در مطالعات اجتماعی تلقی می‌شود و تنظیم مناسبات درون آن و رابطه آن با بیرون، از جمله دغدغه‌های اندیشمندان اجتماعی است.

از این رو، در مقاله پیش‌رو هدف این است که نظریه تازه‌ای از زاویه دیدگاه سه‌وجهی درباره مطالعه خانواده ارائه دهیم. از ویژگی‌های این نظریه است که رفتارهای درون خانواده و ارتباط خانواده با بیرون را در مدل‌هایی که قابلیت کمیت‌گذاری دقیق دارند تنظیم می‌کند؛ علاوه بر آن، عوامل دقیق و متعددی که در مناسبات پیش‌گفته دخیل هستند را معرفی کرده، نسبت آنان را با یکدیگر بیان می‌کند؛ به این ترتیب، ادعا می‌شود که نظریه ارائه‌شده از نظریات موجود در توصیف، تبیین و تحلیل خانواده جامع‌تر و دقیق‌تر است.

### خانواده در نظریات جامعه‌شناختی

مکتب‌های مختلف جامعه‌شناختی به گونه‌های متفاوتی با پدیده خانواده روبه‌رو شده‌اند. در کتب جامعه‌شناسی خانواده نویسندگان به معرفی این نظریه‌ها می‌پردازند. در این مقاله نظریه‌های خانواده را به گونه‌ای که حسین بستان در کتاب جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی دسته‌بندی کرده است اجمالاً معرفی می‌کنیم.

در کتاب گفته‌شده، بستان نظریات خانواده را به پنج دسته تقسیم می‌کند: خانواده از دیدگاه نظریه مبادله، خانواده در دیدگاه کارکردگرا، خانواده در نظریات کنش متقابل نمادین، خانواده در نظریات ستیز اجتماعی و خانواده در نظریات فمینیستی (بستان، ۱۳۹۰: صص ۲۰۸-۱۹۵). در دیدگاه مبادله رفتار کنشگران در خانواده براساس منافع شخصی توصیف و تحلیل می‌شود. در دیدگاه کارکردگرا خانواده از نظر کارکرد اجتماعی مورد مذاقه قرار می‌گیرد؛ یعنی کارکردهای خانواده برای جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نظریه کنش متقابل نمادین، روابط متقابل افراد در خانواده و چگونگی عملکرد یا نتیجه این روابط مورد توجه است. در نظریه ستیز و یا انتقادی مناسبات قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد و به قشربندی جنسی و سنی در خانواده بیشتر توجه می‌شود. در نظریات فمینیستی جنسیت موضوع مطالعه است و عمدتاً به نحوه سلطه یک جنس و ستم جنسیتی تأکید می‌شود.

باتوجه به زاویه نگرش به موضوع مطالعه، یعنی خانواده در مکتب‌های مختلف به‌خوبی نشان

داده می‌شود که هریک از مکاتب با توجه به رویکرد خود از زاویه خاصی به خانواده می‌نگرد و دانش تولیدی تحت‌تأثیر آن نگرش شکل می‌گیرد. نگرش‌ها به‌گونه‌ای هستند که هریک نگاه ویژه‌ای به خانواده دارد و نمی‌توان از مطالعه در نظریات مختلف نگاهی جمععی به‌دست آورد. هرچند هر مطالعه در حیطه خود می‌تواند به توصیف، تبیین و تحلیل موضع موردنظر بپردازد، نمی‌توان گفت که توصیف، تبیین و تحلیل خانواده در هریک به‌طور کامل انجام می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، مطالعات در مکاتب مختلف جزئی از مسائل خانواده را در بر می‌گیرد و جامع نیستند.

در تحقیق حاضر به معرفی یک نظریه جامعه‌شناسی خانواده می‌پردازیم. به طوری که بتواند جنبه‌های مختلف این پدیده اجتماعی را در برگیرد. تلاش داریم نظریه ارائه‌شده در توصیف، تبیین و تحلیل خانواده و بیان جنبه‌های درونی و بیرونی آن دانشی جامع‌تر از آنچه در نظریات موجود است به‌دست دهد.

روش‌های تحقیق براساس روش‌شناسی که بر مبنای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مخصوص به خود تنظیم می‌شوند تدوین می‌شوند. این تحقیق هم از این نظر مستثنی نیست. در مقاله‌ای که برای کنگره سوم از مجموعه کنگره‌های بین‌المللی علوم انسانی اسلامی تدوین شد، به معرفی جامعه‌شناسی اسلامی از منظر رویکرد سه‌وجهی مبادرت ورزیده‌ایم. در آن مقاله روش تحقیق در این رویکرد نیز آمده است. اما چون ممکن است خوانندگان محترم به آن مقاله دسترسی نداشته باشند و به دلیل کامل‌تر شدن روش در مدت فاصله بین تقدیم مقاله قبل و تنظیم این مقاله، در اینجا به اجمال روش تحقیق خود را مجدداً همراه با اضافاتی معرفی می‌کنیم.

در آن مقاله آمده است که «با مراجعه به نوشته اندیشمندان اسلامی با استفاده از تخصص اسلامی آنان مطالبی که مستدل به قرآن کریم و دیگر منابع دینی باشد را مبنای تدوین نظریه خود قرار می‌دهیم و تا انتهای روبنا سعی در وفادار ماندن به آن می‌کنیم. سپس برای نشان‌دادن ارزشمندی جامعه‌شناختی این رویکرد در یک مطالعه تطبیقی به مقایسه نظریه تدوین‌شده با نظریه جامعه‌شناسان مطرح جامعه‌شناسی متداول می‌پردازیم؛ به این ترتیب، با استفاده از قواعد منطقی، نظریه پیشنهادی را استدلال می‌کنیم» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۷).

استادهای اسلامی ما به نوشته‌ها و اندیشه‌های شهید مطهری، علامه طباطبایی (ره) و مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی است. مبانی نظری هستی‌شناسی اجتماعی این نظریه‌پردازی متکی به اندیشه شهید مطهری و استدلال فلسفی اسلامی ایشان در اصالت‌دادن به فرد، جامعه و رابطه بین این دو، در پدیده‌های اجتماعی است. در ضمن از بحث فلسفه فاعلیت یا چگونگی مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی نیز استفاده می‌کنیم. در معرفت‌شناسی از نظر علامه طباطبایی

و شرح شهید مطهری در خصوص روش‌های رئالیستی و متکثر و تشکیکی دیدن موضوع و نیز بحث درون، بیرون و ربط مرحوم آیت‌الله سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی در روش‌شناسی از منطق سیستم تکاملی و بحث‌های فلسفه‌چگونگی مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی و ساماندهی بحث‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در پرتو آن استفاده شده است.

در آن مقاله برای استدلال نظری و جامعه‌شناختی این رویکرد و نشان دادن نسبت دانش تولیدی با جامعه‌شناسی رایج، مبحث هستی‌شناختی را با اندیشه‌های سه تن از جامعه‌شناسان امروز جهان یعنی هابرماس<sup>۱</sup> آلمانی، بوردیو<sup>۲</sup> فرانسوی و گیدنز<sup>۳</sup> انگلیسی، مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خود را با اندیشه‌های رئالیستی نشئت‌گرفته از مباحث باسکار<sup>۴</sup> و دیگران در غرب مقایسه کرده‌ایم. برای استدلال کاربردی این رویکرد هم به دو تحقیق در زمینه جنبش‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی هنر اشاره کرده‌ایم.

### مبانی هستی‌شناسی

در بحث هستی‌شناسی با استفاده از استدلال‌های شهید مطهری در اصالت فرد و جامعه و استنباط اصالت رابطه از مطالب ایشان در کتاب جامعه و تاریخ جمع‌بندی خود را با استناد به فلسفه فاعلیت مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی و استفاده از بحث فاعل محوری، فاعل تصرفی و فاعل تبعی ایشان به سامان رسانده‌ایم. در پیروی از فلسفه فاعلیت آن مرحوم داشتن اراده یا به عبارت دیگر، عملکرد مستقل و درعین حال مقید و متقوم یا وابسته این سه عامل در ارتباط با یکدیگر را در پدیده‌های اجتماعی اصل گرفته‌ایم. اندیشمندان مختلف جامعه‌شناسی امروز از جمله هابرماس<sup>۵</sup>، بوردیو<sup>۶</sup> و گیدنز<sup>۷</sup> نیز به نظریه‌پردازی با ترکیبی از این عوامل پرداخته‌اند. هرچند عمده تلاش آنان بر هستی‌شناسی اجتماعی مبتنی بر اصالت فرد و جامعه قرار دارد، درمورد رابطه نیز سخن گفته‌اند. به طوری که برخی از منتقدین به درستی به رابطه‌گرا بودن آنان اشاره می‌کنند. در کار

1. Habermas
2. Bourdieu
3. Giddens
4. Baskar
5. Habermas
6. Pierre Bourdieu
7. Anthony Giddens

این اندیشمندان تأکید بر اصالت کنش ارتباطی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی<sup>۱</sup> را در اندیشه هابرماس، اصالت دوکسا یا اعتقاد<sup>۲</sup> و عادت‌واره<sup>۳</sup> را در بوردیو و اصالت ساختار<sup>۴</sup> در نظریه ساختارمندی<sup>۵</sup> را در گیدنز می‌بینیم که همه آنان به نوعی عناصر رابطه‌ای هستند. شایان ذکر است با توجه به ابهاماتی که در نظریه پردازی‌های این اندیشمندان وجود دارد هیچ‌یک هنوز نتوانسته‌اند پاسخی مکفی برای شناخت پدیده‌های اجتماعی فراهم کنند، هرچند تلاششان دریافت از مسائل اجتماعی را دقیق‌تر و کامل‌تر از گذشته کرده است. از نظر این قلم ضعف عمده این رویکردها عدم توجه به سه عامل «فرد»، «جمع» و «رابطه» به طور مجزا و در عین حال متقوم یا وابسته به یکدیگر است.

با توجه به سه اصطلاح فاعل ولایی، فاعل تصرفی و فاعل تبعی در فلسفه ولایت مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی در دیدگاه این قلم وقتی کل جامعه مورد مطالعه را یک نظام در نظر می‌گیریم، به ترتیب جامعه، فاعل ولایی؛ روابط، فاعل تصرفی و افراد، فاعل تبعی هستند. با الهام از سه اصطلاح دیگری که در اندیشه ایشان رایج است و در وصف موضوع به کار می‌رود: توسعه، ساختار و کارایی، می‌توان چنین گفت که در نظام‌های اجتماعی جامعه عمدتاً خصلت توسعه‌ای دارد، زیرا زمینه رشد را فراهم می‌کند؛ روابط عمدتاً خصلت ساختاری دارد، زیرا بدنه هر پدیده اجتماعی با روابط ساخت می‌یابد و افراد عمدتاً خصلت کارایی دارند زیرا آنان هستند که با عملکرد خود منویات اجتماعی را به ظهور می‌رسانند.

شایان ذکر است با چنین نگاهی ضمن اینکه به اجمال درک ما با درک جامعه‌شناسی رایج از این سه اصطلاح (فرد، جمع و رابطه) یکی است، اما در تبیین و تعریف دقیق و عملکرد هر یک، در این نظریه، ویژگی‌های خاصی برای جامعه، روابط و افراد در نظر است.

### معرفت‌شناسی

با استفاده از سه اصطلاح درون، بیرون و ربط در نظریه مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی ما معتقدیم در شناخت کامل‌تر و جامع‌تر از پدیده‌های اجتماعی لازم است سه عامل افراد، جامعه و رابطه به عنوان درون، بیرون و ربط هر پدیده اجتماعی در نظر گرفته شود و تأثیر و تأثر هر یک بر

1. Communicative rationality
2. Doxa
3. Habitus
4. Structure
5. Structuration theory

دیگری در تقوم به یکدیگر به دقت مشاهده و محاسبه شود.

«در این رویکرد تلاش می‌شود از نحوه ارتباط بین فرد، جمع و رابطه مدلی ارائه شود که ضمن حفظ هویت مستقل هر یک، مقید بودن آنان و چگونگی اثرگذاری‌شان بر یکدیگر را تبیین کند و چهارچوبی از نظر منطقی و عملی قابل قبول ارائه کند. در این رویکرد فرض ما بر این است که در واقعیت‌های اجتماعی «افراد» به‌عنوان درون جامعه، «جامعه» به‌عنوان بیرون پدیده اجتماعی، و «روابط» به‌عنوان وصل‌کننده یا رابط بین افراد و جامعه، ضمن داشتن هویتی مستقل، بر یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند، و بین آنان در قدرت اثرگذاری «تعادل» و «تعامل» برقرار است؛ به‌عبارت دیگر، این سه عامل وجودشان به یکدیگر متقوم است، هرکدام که نباشند دو دیگری نیز نخواهند بود. هرچند در برهه‌هایی از زمان غلبه تأثر یکی بر دیگری را می‌توان دید اما در مجموع در هر یک، براساس فلسفه فاعلیت، مقدار معینی از اراده در تعامل فی‌مابین وجود دارد. فاعلان<sup>۱</sup> کنشگرهای اجتماعی هستند؛ نظام اجتماعی پدیده‌ای با آثار و ترتبات خویش است؛ و روابط ارتباط‌دهندگان بین افرادی هستند که اعمال جمعی آنها در یک زمان و مکان خاص نظام اجتماعی را شکل می‌دهند. تأکید آرچر<sup>۲</sup>، مثل دیگر متفکران واقع‌گرا (رنالیست)، بر دو عامل اول، یعنی فرد و جامعه است و گیدنز، بوردیو و هابرماس بر عامل سوم، یعنی روابط (ساخت، دکسا و عادت‌واره، عقلانیت ارتباطی - زبان)، تأکید دارند. در این رویکرد ما از ترکیب این دو نگاه پیروی می‌کنیم. بحث ما این است که می‌توانیم بین افراد، جامعه و روابط تمایز قائل شویم، اما این سه، در هر شکل اجتماعی از یکدیگر غیرقابل تفکیک هستند. همان‌طور که آرچر درباره فرد و جامعه عقیده دارد، به نظر ما هر سه این‌ها آثار مربوط به خود دارند و هیچ‌یک بر دیگری غلبه تام ندارد» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: صص ۱۶-۱۷).

«در نظریه ساختارمندی فرد، ساخت، و نظام اجتماعی در زمان و مکان به یکدیگر پیوند می‌خورند. "قلمرو اساسی مطالعات علوم اجتماعی... بررسی اعمال اجتماعی است که در پهنه زمان و مکان نظم یافته اند" (گیدنز، ۱۹۸۴: ص ۲). اما در رویکرد جدید مابین فاعلیت یا به‌عبارت دیگر، تأثیر «زمان» و «مکان» تفکیک قائل شده برای توضیح نسبت بین آن دو، به مفهوم دیگری، یعنی «جهت» متوسل می‌شویم. هر تغییری که در زمان و مکان به وجود می‌آید با جهت تعریف می‌شود (حسینی الهاشمی، ۱۳۷۶: ص ۱۵۱). در مقاله گذشته فرد زمان‌ساز، جامعه مکان‌ساز و روابط جهت‌ساز در نظر گرفته شده بود؛ به‌عبارت دیگر، «فرد با کنش خود زمان را می‌سازد»،

1. Actors

2. Archer

«جامعه با فراهم کردن زمینه اجتماعی مکان را تدارک می‌بیند» و «روابط با نوع تنظیم خود جهت اثرگذاری کنش عامل در زمینه اجتماعی را بیان می‌کند» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: صص ۱۸-۱۷)؛ به عبارت دیگر، در الگوی شناسایی جامعه، درون، زمان‌ساز؛ بیرون، مکان‌ساز و ربط نسبت بین درون و بیرون را معین می‌کند که جهت را نشان می‌دهد.

### روش‌شناسی

«باتوجه به در نظر گرفتن سه عامل، با نسبتی از اختیار و اراده برای هر یک، در مطالعات اجتماعی، روش‌های متداول مبتنی بر رویکرد اثبات‌گرا نمی‌تواند نیاز مطالعاتی ما را تأمین کند. رویکرد تفسیری و انتقادی هم به علت نیاز ما به انجام تحقیقات کمی و اعتقاد به نظم و هماهنگی در نظام عالم نمی‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات تحقیقاتی ما باشند. به نظر می‌رسد رویکرد رئالیستی بیشتر از دیگر رویکردهای روشی بتواند به رفع نیاز ما نزدیک شود» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۱۸). در روش‌شناسی معرفی شده در مقاله قبل پس از مقایسه رئالیسم اسلامی با رئالیسم انتقادی، مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خود را با تکیه بر منطق سیستم تکاملی مرحوم سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی انتخاب کرده‌ایم.

«رئالیسم انتقادی و رئالیسم اسلامی، هر دو با رویکردی همه‌جانبه‌نگر سعی در مشاهده همه عوامل مداخله‌گر در پدیده‌های اجتماعی دارند. اما تفاوت‌های بنیادینی در زمینه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی با یکدیگر دارند. هر دو رویکرد در اعتقاد به وجود جهان مستقل از ذهن انسان مشترک هستند. در رئالیسم اسلامی قوانین جهان خارج «واقعی و نفس‌الامری و مستقل از ذهن و ادراکات ما هستند» (مطهری، ۱۳۵۹: ص ۵۲۳). در رئالیسم انتقادی هم «جهان مستقل از باورهای ما وجود دارد، تفکیک شده<sup>۱</sup> و قشربندی شده است» (بنتون<sup>۲</sup> و کرایب<sup>۳</sup>، ۱۳۸۴: ص ۲۴۱). اما در رئالیسم اسلامی واقعیت‌ها اعم از واقعیت مشهود و واقعیت غیب هستند و در رئالیسم انتقادی فقط واقعیت مشهود اعتبار دارد» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۱۸).

در مقاله قبل آمده است که: «شرح تمایز میان فرد و جمع در رئالیسم اسلامی در حد فلسفی باقی می‌ماند و راهکار ورود به مباحث تجربی آن توسط اندیشمندان بزرگوار بیان نشده است» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۲۰). البته در نوشته‌های متأخر محققانی که براساس اندیشه حکمت

1. Differentiation
2. Ted Benton
3. Ian Craib

متعالیه و نظریات علامه طباطبایی تحقیقات علوم اجتماعی خود را پی می‌گیرند با توجه به مفهوم اعتباریات در این اندیشه راه ورود به تجربه و تحقیقات تجربی را توجه به اعتباریات می‌دانند (پارسانیا). «اما رئالیسم انتقادی در این مورد با توجه به اینکه همه واقعت را واقعیت مشهود می‌داند روشن‌تر و دقیق‌تر از دو عامل سازوکار و زمینه استفاده می‌کند و شرح تجربی‌تری از تمایز بین عوامل و رابطه بین آن‌ها ارائه می‌کند. هرچند از نظر ما به این عوامل واقعیت غیب هم اضافه می‌شود و در عین حالی که از یکدیگر قابل تمیز هستند، غیر قابل تفکیک بوده و وجودهای وابسته (غیر از وجود خداوند تبارک و تعالی که همه چیز وابسته به او اما خود مستقل مطلق است) به یکدیگرند» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۲۰).

«مشابه گفته لیدر منطقی بودن، عنصر قالب معرفت‌شناختی رویکرد تحقیقی ما است. مشابه گفته پائوسن منطقی که در این رویکرد از میان منطقی‌های موجود انتخاب کرده ایم منطق سیستم تکاملی مرحوم سید منیرالدین حسینی الهاشمی است اما با ملاحظه جهت که در مبانی هستی‌شناسی خود درباره ارتباط آن با متون اسلامی اشاره کردیم، به طور کلی مدل پائوسن براساس معتبر بودن واقعیت مشهود تنظیم شده است. در نوع نگاه اسلامی واقعیت غیب هم وارد معادلات ما می‌شود» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۲۳).

«در توضیح سیستم تکاملی باید گفت: وقتی چند پدیده به گونه‌ای با هم رابطه داشته باشند که به صورت سازمان یافته و متحد عمل کنند به آن یک سیستم می‌گوییم. سیستم مجموعه‌ای از اعضا است که خواصی بیشتر از جمع خاصیت تک تک اعضا خویشت دارد. بین اعضای یک سیستم باید هماهنگی وجود داشته باشد تا آن مجموعه بتواند درست عمل کند. این مطلب تا وقتی است که ما مانند پائوسن فقط به روابط درونی سیستم بنگریم. اما وقتی بخواهیم درون و بیرون سیستم را با هم در نظر داشته باشیم لازم است جهت حرکت سیستم در زمینه خود را هم ملاحظه کنیم. قید سیستم تکاملی به این منظور اضافه می‌شود که عملکرد سیستم مورد نظر ما دارای جهت و آن هم جهت تکاملی است» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: صص ۲۳-۲۴).

در بیان هستی‌شناسی این رویکرد گفتیم زمینه اجتماعی مکان‌ساز، روابط جهت‌ساز و افراد زمان‌ساز هستند. سیستم‌های اجتماعی همگی سیستم‌های پویا هستند. جامعه امکانات حرکت را در اختیار می‌گذارد (توسعه)؛ افراد با رفتار خود پویایی با حرکت را در زمان تضمین می‌کنند (کارایی)؛ و روابط، نسبت بین این دورا در راستای جهت برقرار می‌کنند (ساختار). عملکرد افراد با گذر از مسیر روابط مجدداً بر زمینه اجتماعی اثر می‌گذارد و محدودیت و امکانات زمینه را تغییر می‌دهد. با تغییر محدودیت‌ها و امکانات، نیازها و انگیزه‌های جدید به وجود می‌آید؛ از این رو،

«جهت‌گیری» تازه‌ای در روابط لازم می‌شود، جهت ارتقا می‌یابد، افراد در آن راستا «موضع‌گیری» می‌کنند و بر اثر «مجاهده» آنان مجدداً در زمینه اجتماعی تغییراتی حاصل می‌شود. چرخه‌ای که گفته شد از نو تکرار می‌شود و به این ترتیب، حرکت سیستم تکاملی تداوم می‌یابد؛ به عبارت دیگر، تغییر در زمینه اجتماعی نیاز و انگیزه افراد را تغییر می‌دهد و جهت‌گیری‌شان ارتقا می‌یابد. براساس تغییر در جهت‌گیری افراد، موضع‌گیری آنان تغییر یافته و روابط تازه‌ای اختیار می‌کنند. مجاهده افراد برای رفع نیاز در امکانات و محدودیت‌های زمینه اجتماعی تغییر ایجاد می‌کند که موجب ارضا می‌شود و زمینه برای رشد نیاز بعد فراهم می‌شود؛ به همین ترتیب، حرکت تکاملی جامعه در راستای استفاده از امکانات برای رفع محدودیت‌ها صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، حرکت تکاملی جامعه در راستای رفع نیازهای اجتماعی با ملاحظه مناسبات درونی و بیرونی، با تغییر در رویکرد افراد آن با استفاده از امکانات اجتماعی در رفع محدودیت‌ها و از مسیر روابط صورت می‌پذیرد.

در مبحث اعتبارسنجی در جامعه‌شناسی اسلامی با توجه به اینکه برای سه ابزار شناخت اعتبار علمی قائل هستیم لازم است برای هر سه، اعتبار محاسبه شود. در رئالیسم انتقادی فقط برای تجربه و مطالب نظری اعتبارسنجی صورت می‌گیرد. اگر بتوانیم از کفایت عملی با نگاه به تجربه‌های دیگران استفاده کنیم در کفایت نظری دستاوردهای عقلاً به‌خصوص عقل نظری اندیشمندان مسلمان وسیله اعتبارسنجی خواهد بود و درباره دریافت‌های قلبی، باوری و ایمانی هم مراجعه به متون اسلامی با روش‌های معتبر نزد اندیشمندان اسلامی برای اعتبار دارد.

در اینجا لازم است توجه کنیم که این مسیر تکاملی می‌تواند هم در راستای خیر و هم در جهت شر، بنا بر رویکرد فرد و یا جامعه باشد. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (البقره: ۲۵۷). از همین رو است که در رویکرد جامعه‌شناسی اسلامی پیشنهادی، قادر خواهیم بود هم جوامع با جهت اسلامی و هم با جهت‌های دیگر را بررسی کنیم. همچنین، قادر به مقایسه گونه‌های مختلف جوامع با یکدیگر بوده، می‌توانیم در عمل آثار انتخاب رویکردهای مختلف را به صورت تجربی بسنجیم (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۲۴).

رویکرد هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسانه یادشده به فهم جامعه و پویایی آن با توجه به ملاحظاتی که گفته شد، راهنمای ما برای تدوین روش تحقیق‌مان است. زمینه اجتماعی با رویکرد خود و جهت‌گیری‌هایی که برای خرده‌نظام‌ها معین می‌کند زمینه

۱. «خدا یار مؤمنان است ایشان را از تاریکی‌ها به روشنی می‌برد ولی آنان که کافر شده‌اند طاغوت‌ها یاور آن‌ها هستند که آن‌ها را از روشنی به تاریکی‌ها می‌کشند. اینان جهنمیان هستند و همواره در آن خواهند بود.»

مطالعه ما است. افراد با جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده‌ای که دارند، زمان‌ساز حرکت‌ها هستند. روابط مسیر حرکت را در جهتی که با توجه به نسبت بین سیستم مافوق و [طرفیت افراد] انتخاب شده است، تعیین می‌کنند. ابعاد وجودی موضوع اجتماعی به این ترتیب رقم می‌خورد؛ بنابراین، در هر مطالعه اجتماعی می‌باید زمینه آن را برای به‌دست آوردن اراده شامل و امکانات و محدودیت‌های موجود و کنشگران اجتماعی آن پدیده اجتماعی و «نقش» و «منزلت رفتاری» آنان در استفاده از امکانات و تعامل با محدودیت‌ها که بر اثر التزام به روابط شکل می‌گیرد را مطالعه کنیم. بازی نقش‌ها و فاعلیت‌ها با توجه به ساختار موضوع مورد مطالعه یعنی عنصر ارتباطی مشخص می‌شود. این عنصر است که مسیرهای حرکت در جهت مورد نظر برای عملکرد کنشگران را روشن می‌کند.

«در این رویکرد جامعه‌شناختی در مطالعات تجربی اعتباریابی تحقیق و روش آن در سه بخش انجام می‌شود. کفایت داده‌ها می‌باید در سه بعد نظری، عملی و نسبت بین عمل و نظر به‌دست آید. یعنی هم اثبات نظری، هم اثبات عملی و هم ملاحظه نسبتی که بین عمل و نظر برقرار است باید انجام شود. در اثبات نظری کلیه ادراکات علمی صورت گرفته درباره موضوع مورد مطالعه را ملاحظه کرده، جمع‌بندی از نظر عقلا (یعنی متخصصان امر) با نگاه ویژه به عقلای اسلامی، در همه زمینه‌های ادراک شده را ارائه می‌دهیم. در اثبات عملی مصادیق تجربه شده توسط محقق و دیگران مورد توجه قرار می‌گیرد. در یافتن اعتبار نسبت بین نظر و عمل به مدل ایجاد ارتباط بین مفاهیم نظری و عملی توجه می‌شود. این بخش محقق نخواهد شد مگر اینکه به یک مدل نظری-علمی منطقی دست یافته باشیم» (زاهد زاهدانی، ۱۳۹۵: ص ۲۴).

در مطالعه خانواده افراد در «درون»، دارای نقش‌های پدر، مادر و فرزند هستند که به ترتیب فاعل «محوری»، «تصرفی» و «تبعی» هستند. نظام اجتماعی جامعه یا «بیرون» با سه زیرنظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد که به ترتیب در نظام اجتماعی فاعل «محوری»، «تصرفی» و «تبعی» هستند. روابط نسبت بین افراد و جامعه را «وصف» می‌کنند؛ بنابراین، از سه مفهوم «توسعه»، «ساختار» و «کارایی» برای تبیین آنان استفاده می‌شود. در رابطه فرد با نقش خودش در محیط خانواده «جهت‌گیری»، «موضع‌گیری» و «مجاهده»؛ در رابطه فرد با نظام فرهنگی «اخلاق»، «اعتقاد» و «رفتار» فرهنگی در سه زمینه «گرایش»، «بینش» و «دانش»؛ و در زمینه اجتماعی «اخلاق»، «اعتقاد» و «رفتار» اجتماعی در زمینه سیاست، فرهنگ و اقتصاد موضوعیت پیدا می‌کند.

در ادامه به معرفی نظریه و مدل عملی-نظری خانواده در سه وجه فردی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازیم.

## نظریه خانواده در رویکرد سه‌وجهی

براساس نظریه سه‌وجهی جامعه‌شناسی، مطالعه خانواده در سه وجه می‌تواند صورت پذیرد: وجه اجتماعی، وجه رابطه‌ای و وجه فردی. وجه اجتماعی، آنچه زمینه جامعه در اختیار افراد تشکیل دهنده خانواده می‌گذارد تا بر آن اساس با یکدیگر تعامل کنند را نشان می‌دهد. در وجه رابطه‌ای، به فرهنگ می‌پردازیم و آن را زمینه در نظر می‌گیریم. البته در نظر داریم که اساساً فرهنگ عنصر رابطه‌ای افراد تشکیل دهنده خانواده با جامعه است؛ به عبارت دیگر، افراد از طریق فرهنگ با جامعه رابطه برقرار می‌کنند. در وجه فردی کنش کنشگران موردنظر است. دو جدول زیر اقلام و عوامل موجود در هر یک از این سه وجه جامعه را معرفی می‌کنند. جدول‌های زیر براساس شیوه روش تحقیق مرحوم علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی طراحی شده‌اند که پیش از این معرفی شد.

افراد در خانواده دارای سه نقش پدر، مادر و فرزندان هستند که در نظام خانواده از طریق جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده که در زمینه اخلاق، اعتقاد و رفتارشان فاعلیت پیدا می‌کند تجلی می‌یابند. اگر واحد مطالعه فرهنگ باشد؛ اخلاق، اعتقاد و رفتار فرهنگی پدری، مادری و فرزندی آنان در واقع نشان دهنده نوع رابطه برقرار کردنشان در زمینه فرهنگ است که دارای سه بعد گرایش، بینش و دانش است و اگر واحد مطالعه را جامعه فرض کنیم اخلاق، اعتقاد و رفتار اجتماعی پدری، مادری و فرزندی آنان در زمینه نظام اجتماعی که شامل سیاست، فرهنگ و اقتصاد است فاعلیت می‌یابد.

به عبارت دیگر، جامعه از سه زیرنظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد تشکیل می‌شود. جدول اصطلاحات خانواده با توجه به زمینه اجتماعی نشان می‌دهد که هر یک از نقش‌های سه‌گانه موجود در خانواده اخلاق، اعتقاد و رفتار خود را با توجه به امکانات و محدودیت‌های زمینه اجتماعی رقم می‌زنند؛ به عبارت دیگر، آنچه در جامعه مشروعیت دارد و عمل می‌شود چهارچوب اخلاقی، اعتقادی و رفتاری کنشگران خانواده را قید می‌زند؛ از این رو، سیاست اخلاقی مثلاً پدر با توجه به زمینه اخلاق سیاسی در جامعه رقم می‌خورد و رفتار فرهنگی و یا اقتصادی او نیز با توجه به آنچه در جامعه پذیرفته شده و وجود دارد تعیین می‌شود. هر چند نوآوری در این امور قابل تصور است، باید توجه داشت که هر نوآوری باز با توجه به پذیرش زمینه اجتماعی تحقق می‌یابد.

در این میان واسطه‌ای که افراد خانواده را به شناخت زمینه‌ها و نحوه به‌کارگیری آن در اخلاق، اعتقاد و رفتار خود راهبر می‌شود فرهنگ جامعه است. اگر فرهنگ را به‌عنوان زمینه در نظر بگیریم، گرایش، بینش و دانش منبعث از فرهنگ سه مقوله اخلاق، اعتقاد و رفتار افراد خانواده را قید می‌زند.

گرایش، بیشتر سمت و سوی جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده‌ها را رقم می‌زند، بینش، انواع جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده‌های ممکن را تعیین می‌کند و دانش، زمینه را برای کاربرد جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده شخص روشن می‌کند.

در نهایت، فرد است که با اتخاذ نوعی جهت‌گیری اخلاقی، اعتقادی و رفتاری و با موضع‌گیری خاص اخلاقی، اعتقادی و رفتاری به جهد و تلاش عملی اخلاقی، اعتقادی و رفتاری می‌پردازد. رفتارهای قابل مشاهده افراد در خانواده به این ترتیب رقم می‌خورد.

برای مطالعه خانواده می‌توان هریک از این وجوه را اختیار کرد و در مورد آن به بررسی وضعیت هر خانواده پرداخت. مطالعه وجه اجتماعی زمینه بروز خانواده‌های مختلف ممکن در یک جامعه را نشان می‌دهد. وجه فرهنگی محتمل بودن انواع رفتارهای خانوادگی را به نظر می‌آورد و مطالعه وجه فردی رفتارهای هر خانواده را برای ما روشن می‌کند. واحد مطالعه در نوع اول خانواده در جامعه، در نوع دوم خانواده در فرهنگ و در نوع سوم رفتارهای فردی در خانواده است. هریک از وجوه بررسی، خود می‌تواند یک مطالعه کامل باشد. اما اگر بخواهیم مطالعه جامعی درباره خانواده داشته باشیم لازم است هر سه وجه را به انجام برسانیم. با توجه به گستردگی کار می‌توان به تأسیس شبکه تحقیقاتی در این مورد مبادرت ورزید و با تقسیم کار در مدت زمان کمتری به یک مطالعه کامل دست یافت. تقسیم کار در رساله‌های دانشجویی هم می‌تواند ما را به مقصود هدایت کند.

جدول اصطلاحات خانواده (واحد مطالعه خانواده در جامعه)

جامعه									بیرون
اقتصاد			فرهنگ			سیاست			ربط
رفتار	اعتقاد	اخلاق	رفتار	اعتقاد	اخلاق	رفتار	اعتقاد	اخلاق	درون
									پدر
									مادر
									فرزندان

(فروردین ۱۳۹۶)

جدول اصطلاحات خانواده (واحد مطالعه خانواده در فرهنگ)

فرهنگ									بیرون
دانش			بیش			گرایش			
رفتار	اعتقاد	اخلاق	رفتار	اعتقاد	اخلاق	رفتار	اعتقاد	اخلاق	درون
									مادر
									فرزندان

(فروردین ۱۳۹۶)

جدول اصطلاحات خانواده (واحد مطالعه افراد در خانواده)

فرد در خانواده									ابعاد
رفتار			اعتقاد			اخلاق			
مجاهده	موضع گیری	جهت گیری	مجاهده	موضع گیری	جهت گیری	مجاهده	موضع گیری	جهت گیری	ارکان
									مادر
									فرزندان

(فروردین ۱۳۹۶)

در ادامه به معرفی برخی از اصطلاحات جدول می‌پردازیم. برای مثال در جدول اول خانه اول مربوط به اخلاق سیاسی پدر است. منظور از این اصطلاح این است که باتوجه به نظام سیاسی موجود در جامعه نظام سیاسی در خانواده نیز الگوبرداری می‌شود؛ به عبارت دیگر، پدر در خانواده از همان مفاهیم، ابزار و تکنیک‌های اعمال قدرتی استفاده می‌کند که در دستگاه سیاسی جامعه وجود دارد. مثلاً در دوره قاجار در کشور ما نظام سیاسی استبدادی بود و حکام جامعه با استفاده از شیوه‌های تنبیهی مدیریت خود را اعمال می‌کردند. همین روش در خانواده‌ها هم توسط پدر پیگیری می‌شد. در دوران حاضر که مردم‌سالاری رسم روز اعمال مدیریت در نظام سیاسی شده است در خانواده‌ها هم عمدتاً تنبیه رنگ باخته و امور بیشتر از طریق گفت‌وگو و اظهار نظر مدیریت می‌شود.

در جدول دوم همین خانه به گرایش اخلاقی پدر اختصاص دارد. گرایش اخلاقی پدر در دوره قاجار در خانواده‌ها اعمال ولایت پدر بود اما در دوره حاضر این گرایش به رعایت سلیقه دیگران تمایل پیدا کرده است. ممکن است در جامعه خرده‌فرهنگ‌هایی وجود داشته باشد که این اخلاق به نحو متفاوتی در آن‌ها مشاهده شود. مثلاً در همان دوره قاجار در خانواده‌هایی که با دین به‌طور علمی و عملی آشنا بودند روش مدیریت از الگوی اخلاقی ولایت دینی الهام می‌گرفت و در خانواده‌هایی که کمتر با منابع اسلامی آشنا بودند اعمال قدرت پدر رنگ استبدادی به خود می‌گرفت. به‌هر صورت، رسم آمرانه مدیریت وجود داشت. این‌گونه تفاوت‌های فرهنگی در خانواده در مطالعه اقسام جدول دوم به‌دست می‌آید.

در جدول سوم به تفاوت‌های جهت‌گیری، موضع‌گیری و مجاهده اخلاقی، اعتقادی و رفتاری اعضای خانواده پرداخته می‌شود. برای مثال برای همان خانه اول جدول ممکن است در اعمال آمرانه اخلاقی در دوره قاجار پدری جهت‌گیری خشن داشته باشد و دیگری متمایل به خشونت نباشد. شاید پدر سومی جهت‌گیری ایجاد رعب و وحشت در خانواده داشته باشد. این‌گونه تفاوت‌های فردی اعمال نقش‌ها در خانواده با پیگیری مطالعاتی جدول سوم به انجام می‌رسد. تفاوت در جوامع، فرهنگ‌ها و سلوک‌های فردی در توجه به سه جدول بالا روشن می‌شود. از جمله در حال حاضر دو تمدن در رویارویی با هم قرار گرفته‌اند: تمدن مدرن و تمدن اسلامی. در ادامه تحقیقات در پژوهش‌های آینده سعی می‌کنیم تفاوت‌های اصطلاحات جداول اول و دوم بالا را در این دو فرهنگ شناسایی و معرفی کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- ایگلتون؛ بورديو. ۱۳۸۸. «ایدئولوژی؛ عقاید رایج و زندگی عادی»، برگردان از جواد گنجی. فصلنامه سینما و ادبیات. شماره بیستم. بهار. صص ۱۱۲-۱۰۹.
- بستان، حسین. ۱۳۹۰. جامعه‌شناسی خانواده، با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بنتون، تد؛ کرایب، ایان. ۱۳۸۴. فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.
- حسینی الهاشمی، سید منیرالدین. ۱۳۷۶. معرفی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی از زبان استاد. قم: دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. ۱۳۶۹. «رابطه فرد و جامعه: مقایسه دو دیدگاه». مجله علوم اجتماعی و انسانی. شیراز. دانشگاه شیراز. دوره پنجم. شماره دوم. بهار.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۹۵. «جامعه‌شناسی اسلامی یا مسلمان (رویکرد سه‌وجهی)». مقاله نظریه‌پردازانه. ارائه شده به سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.
- زاهد زاهدانی، سید سعید؛ کاوه، مهدی. ۱۳۹۴. جامعه‌شناسی هنر، رویکردی نو. شیراز: دانشگاه شیراز.
- زاهد زاهدانی، سید سعید؛ فتوتیان، علی. ۱۳۹۳. «نقد و بررسی نظریه جنبش‌های اجتماعی کروسلی از منظر نظریه اصالت ربط، فرد و جمع». رهیافت انقلاب اسلامی. سال هشتم. پاییز. شماره ۲۸. صص ۲۴-۳.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. ۱۳۸۴. جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران. چاپ دوم، تهران: سروش و طه.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۹. جنبش‌های سیاسی معاصر ایران. قم: کتاب طه.
- گرنفل، مایکل. ۱۳۸۹. مفاهیم کلیدی پیر بورديو. برگردان از محمد مهدی لیبی. تهران: نشر افکار.
- ممتاز، فریده. ۱۳۸۳. «معرفی مفهوم طبقه از نگاه بورديو». پژوهشنامه علوم انسانی. شماره ۴۲-۴۱، بهار و تابستان. صص ۱۶۰-۱۴۹.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۹. جامعه و تاریخ. قم: صدرا.

- Archer, Margaret S. 1995. **Realist Social Theory: The Morphogenetic Approach**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bhaskar, Roy. 1975. **A Realist Theory of Science**. Brighton: Harvester Press.
- \_\_\_\_\_ 1979. **The Possibility of Naturalism**. Brighton: Harvester.
- Bourdieu, Pierre. 2000 a. **Pascalian Meditations**. Translated by Richard Nice. Oxford: Polity Press.
- \_\_\_\_\_ 2000 b. "The politics of protest (interview)". **Socialist Review**. June. pp.18-20.

- \_\_\_\_\_ . 1984. **Distinction**. London: Routledge.
- \_\_\_\_\_ . 1977. **Outline of a Theory of Practice**. Cambridge: Cambridge University.
- Craib, Ian. 1992. **Modern Social Theory, From Parsons to Habermas**. London Harvester: Wheatsheaf.
- Crossley, Nick. 2002. **Making Sense of Social Movement**. Buckingham: Open University Press.
- Giddens, Anthony. 1984. **The Constitution of Society**. Cambridge: Polity Press.
- Habermas, J. 1984. **The Theory of Communicative Action**. Vol. 1. Cambridge: Polity Press.
- \_\_\_\_\_ . 1987. **The Theory of Communicative Action**. Vol. 2. Cambridge: Polity Press.
- Hall, Rogohn, Mary go Neitz and Marshall Battanl. 2007. **Sociology on Culture**. London: Routledge.
- Harre, R. & P. Secord. 1972. **The Explanation of Social Behaviour**. Oxford: Blackwell.
- Keat, R. & J. Urry. 1975. **Social Theory and Science**. London: Routledge.
- Layder, Derek. 1990. **The Realist Image In Social Science**. Cambridge: Polity Press.
- \_\_\_\_\_ . 1993. **New Strategies in Social Research**. Cambridge: Polity Press.
- \_\_\_\_\_ . 1994. **Understanding Social Theory**. London: Sage Pub.
- Marx, Karl. 1888. **Manifesto of the Communist Party**. Chicago: Charles H. Kerr.
- Pawson, Ray. 1989. **Measure for Measures: a manifesto for empirical sociology**. London & New York: Routledge.
- Savage, M. 2000. **Class Analysis and Social Transformation**. Buckingham: Open University Press.
- Sayer, Andrew. 2000. **Realism and Social Science**. London: Sage.
- Turner, Jonathan H. 1998. **The Structure of Sociological Theory**. Belmont, CA, Wadsworth Publishing Company.
- Weber, Max. 1930. **The Protestant Ethic and The Spirit of Capitalism**. trans. Tolcott Parsons (New York; Charles Scribner's Sons).
- Zahed, Saeid & B. Khajenoori. 2010. "Contemporary Women's Movement in Iran". **Journal of Iranian Social Studies**. Vol. 4. No. 1 Spring. pp. 87-110.
- Zahed Z., S. Saeid. 2009. "Realist Strategy and Theory Making". **Conference of the International Journal of Arts and Science**. 1(20): 36-58.